

## به نام خدا

**تحلیل سیاسی هفته (۴۲)  
تحلیلی بر ناآرامی‌های لیبی**

ناآرامی‌های اخیر در مناطق مختلف لیبی و درگیری‌های خونینی که از سوی گروه‌های مسلح و شبه‌نظامی پس از گذشت دو سال از سقوط معمر قذافی در این کشور صورت گرفته، توجه محافل سیاسی و رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. درگیری‌های هفته گذشته در شهر طرابلس پایتخت لیبی در پی اعتراض بسیاری از مردم به ناتوانی دولت و پارلمان در تأمین امنیت به وقوع پیوست. این درگیری‌ها در روز جمعه (۲۴ آبان‌ماه) بین گروه‌های مسلح حمله‌کننده به معترضان و شبه‌نظامیان رخ داد که منجر به کشته شدن حداقل ۴۳ نفر شد. این واقعه یکی از خونین‌ترین درگیری‌ها در شهر طرابلس از زمان سرنگونی معمر قذافی رهبر لیبی بوده است.

هزاران نفر از مردم معترض طرابلس با تجمع در مرکز این شهر خواستار استعفای دولت و خروج سریع نیروهای شبه‌نظامی از طرابلس بودند که گروه‌های مسلح بر روی معترضان آتش گشودند؛ این اقدام منجر به درگیری مسلحانه میان دیگر شبه‌نظامیان با حمله‌کنندگان شد. خشونت‌های ایجاد شده به حدی بود که سبب شد تا دولت لیبی تعدادی از واحدهای ارتش ملی را از نقاط مختلف این کشور برای حفظ امنیت وارد طرابلس کند. با این حال ناتوانی دولت در ایجاد یک نیروی ملی امنیتی و برقراری ثبات در شهر به حدی بود که در ۲۶ آبان‌ماه، مصطفی نوح، معاون سرویس اطلاعاتی این کشور نیز ربهوده شد. پیش از این نیز در پی ناآرامی‌ها در شرق طرابلس، دولت به مدت ۴۸ ساعت در این شهر حالت فوق‌العاده اعلام کرد و شورای شهر نیز به تمام گروه‌های شبه‌نظامی مستقر، دستور ترک شهر را داده بود.

**علل ناآرامی‌ها**

لیبی طی دو سال گذشته همواره صحنه هرج‌ومرج و ناامنی بوده است، حمله به کنسولگری آمریکا در شهر بنغازی و کشته شدن چند دیپلمات آمریکایی از جمله سفیر واشنگتن در این کشور، همچنین ربهوده شدن چند ساعته نخست وزیر در اواسط مهرماه و نیز معاون دستگاه اطلاعاتی در چند روز گذشته از جمله مواردی است که گواهی بر تشدید ناآرامی‌ها در این کشور طی دو سال گذشته است. به‌طور کلی علل این ناآرامی‌ها از دو بُعد داخلی و خارجی می‌تواند به شرح ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

**۱. ابعاد داخلی**

به لحاظ داخلی تشدید درگیری‌ها در لیبی از عوامل ذیل نشئت می‌گیرد:

**- تبدیل شدن کشور به عرصه نظامی‌گری گروه‌های قومی - قبیله‌ای و مذهبی**

وجود طیف‌های مختلف و ساختار قومی - قبیله‌ای و مذهبی در لیبی و همچنین اختلافاتی که از دوره قذافی میان مناطق مختلف و شهرهای این کشور وجود داشته، موجبات تشدید ناآرامی‌ها در این کشور را فراهم کرده است. از این رو ساختار اجتماعی در لیبی استعداد لازم برای تشکیل گروه‌های جدایی‌طلب را دارد. این مسئله به اضافه قدرت گرفتن و مسلح شدن گروه‌های شبه‌نظامی باعث شد تا این کشور تبدیل به عرصه زدوخوردهای قومی - قبیله‌ای و مذهبی شود که با وجود

گذشت دو سال از سقوط قذافی، هنوز بخش‌های زیادی از لیبی تحت کنترل آنهاست.

این گروه‌ها که غالباً وابستگی‌های طایفه‌ای، قبیله‌ای و مذهبی دارند، با دسترسی به انبارهای سلاح ارتش قذافی خود را مسلح کرده و پس از سرنگونی دیکتاتور لیبی با ازسرگیری اختلافات، جامعه این کشور را درگیر ناامنی و خشونت کرده‌اند. برخی گروه‌های تروریستی مانند القاعده نیز از این وضعیت به خوبی استفاده کرده و به ایجاد شبکه‌های شبه‌نظامی در سراسر این کشور اقدام کرده‌اند.

### **- وجود گروه‌های موازی امنیتی**

به دلیل رقابت قدرتی که در لیبی پس از سرنگونی دیکتاتوری در این کشور وجود داشته، خلأ امنیتی شدیدی در مناطق مختلف به‌ویژه در مناطق اطراف طرابلس، پایتخت لیبی به‌وجود آمده است. این وضعیت موجب شده حکومت نوپا قادر به حفظ اقتدار خود و تأمین امنیت شهروندان نباشد. برای مثال شبه‌نظامیان مصراته (یکی از مناطق شرقی طرابلس) حضوری پر قدرت در طرابلس دارند و ویلاها و خانه‌های اعضای ارشد حکومت معمر قذافی را اشغال کرده و از آنها به‌عنوان مقر یا انبار مهمات استفاده می‌کنند. این مسئله باعث شده تا علیرغم تلاش دولت لیبی برای مقابله با شبه‌نظامیان مسلح در این کشور، کنترل برخی مناطق مانند شهر بنغازی به‌علت فقدان نیروهای نظامی و امنیتی یکپارچه به میزان زیادی در اختیار شبه‌نظامیان قرار داشته باشد.

### **- دسترسی گروه‌های مسلح و افراطی مانند سلفیون و القاعده به سلاح‌های سنگین**

یکی از دلایل عمده تداوم و تشدید ناآرامی‌ها در لیبی دسترسی گروه‌های مسلح و افراطیون داخل این کشور به سلاح‌های گرم است. درواقع برخی کارشناسان استفاده مردم لیبی به‌ویژه گروه‌های افراطی وابسته به سلفی‌ها و القاعده و شبه‌نظامی از سلاح‌های مختلف را مهمترین علت هرج‌ومرج و ناامنی در لیبی برمی‌شمردند.

## **۲. ابعاد خارجی**

در بعد خارجی نیز برخی علل که بیشترین تأثیر را در بروز تحولات اخیر در لیبی داشته‌اند عبارتند از:

### **- کمک‌های مالی و نظامی برخی کشورهای غربی و عربی به گروه‌های مسلح در لیبی**

یکی از دلایل تداوم ناآرامی‌ها در لیبی دخالت‌های برخی دولت‌های خارجی در این کشور است. این دخالت‌ها تبعات مختلفی به همراه داشته از جمله اینکه باعث شده گروه‌های شبه‌نظامی داخل این کشور به راحتی به سلاح دست پیدا کنند و از این طریق بر ناامنی‌ها در طرابلس بیافزایند. این وضعیت تا آنجا ادامه یافته که تأمین امنیت در این کشور از کنترل دولت مرکزی خارج شده است. این مسئله باعث شده حتی ارتش آمریکا طرحی را آماده کند که به بهانه مبارزه با تروریسم و درواقع به‌منظور تسلط بیشتر بر اوضاع آشفته لیبی، به ۵ تا ۷ هزار نیروی امنیتی لیبی آموزش داده شود.

برخی کشورهای منطقه به‌خصوص کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نیز در دوره قذافی به حمایت‌های مالی و نظامی از گروه‌های مسلح پرداخته بودند که این موضوع سبب شده تا این کشورها از قبیل عربستان سعودی، قطر، کویت، امارات متحده عربی و ترکیه به‌دنبال یافتن سهمی در موفقیت انقلاب علیه دیکتاتوری قذافی باشند. سهم‌خواهی هرکدام از این کشورها سبب تشدید ناامنی‌ها در لیبی شده است. از طرف دیگر از آنجا که برخی از این کشورها از احتمال سرایت انقلاب به کشورهايشان به‌شدت نگران بودند، از حمایت‌های مالی و نظامی به شبه‌نظامیان که سبب تشدید ناآرامی و تنش در لیبی می‌شد، استقبال می‌کردند. تشدید ناامنی‌ها می‌توانست حمایت مردم دولت‌های مداخله‌گر از اقدامات اعتراضی و انقلابی در داخل را به این دلیل که ممکن است دچار سرنوشت مشابهی با لیبی شوند کاهش دهد.

## - بهره‌برداری کشورهای غربی از نفت لیبی

لیبی دارای یکی از عظیم‌ترین ذخایر نفت حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا است. این کشور قبل از آغاز ناآرامی‌ها ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت تولید می‌کرد و ۲ درصد صادرات نفت جهان را در اختیار داشت. مرغوبیت نفت لیبی، نه تنها باعث علاقمندی کشورهای غربی به بازار نفت این کشور شده، بلکه توجه بازیگرانی چون روسیه که خود از تولیدکنندگان مهم نفت و گاز جهان است را نیز برانگیخته است. اهمیت نفت لیبی به اندازه‌ای است که برخی کارشناسان معتقدند حضور نظامی ناتو در این کشور در واقع اقدامی استراتژیک برای تسلط بر نفت آن در بلندمدت بوده است.

از طرف دیگر برخی کارشناسان قائل به ارتباط میان ناآرامی‌های اخیر در لیبی با موضوع نفت این کشور هستند. آنها معتقدند از آغاز درگیری‌ها در لیبی شدیدترین نبردها در شهرها و بندرهای متمرکز بوده که محل استخراج، پالایش یا صدور نفت بوده‌اند. این مناطق عمدتاً در شرق لیبی قرار دارند و بیشتر تحت کنترل گروه‌های مسلح و شبه‌نظامیان قرار دارند.

## ارزیابی و تحلیل

در مجموع می‌توان گفت که گروه‌های شبه‌نظامی که باعث سرنگونی معمر قذافی شدند، اکنون بر سر کسب قدرت با یکدیگر وارد نزاع شده به طوری که نتوانسته‌اند در نحوه تقسیم قدرت به توافق برسند و کشور را عرصه آشوب‌های داخلی کرده‌اند. هرکدام از گروه‌های مسلح در لیبی نیز چه گروه‌های موسوم به اسلام‌گرا، چه گروه‌های طرفدار غرب و چه دیگر گروه‌های قومی - قبیله‌ای به دنبال خواسته‌های خاص خود بوده و حاضر نیستند قدرت را از دست بدهند. از طرف دیگر دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی لیبی که با هدف تسلط بر منابع نفتی این کشور صورت گرفته، با گذشت زمان منجر به فرسایشی شدن جنگ داخلی و افزایش خشونت‌ها شده است که در صورت تداوم این وضعیت پیامدهای زیر را به همراه خواهد داشت:

### - فلج شدن اقتصاد نفتی در لیبی به دلیل تشدید درگیری‌ها

به دنبال تشدید درگیری‌ها و بی‌ثباتی امنیتی - سیاسی در لیبی، گروه‌های مسلح به منظور مقابله با دولت مرکزی، میادین و پایانه‌های نفتی اصلی در این کشور را محاصره کردند. این اقدام آنان سبب تحت تأثیر قرار گرفتن صنعت نفت و در نتیجه اقتصاد لیبی شده است. به طوری که پس از تحت کنترل درآمد بخش شرقی کشور توسط شبه‌نظامیان، آنها توانستند بر پایانه‌های صادرات نفت تسلط یابند و به بهانه حفظ ثروت مردم لیبی که به دلیل عدم نظارت دولت در معرض چپاول بود این بندرها را بستند. اعتراضات و اعتصاب در بنادر و حوزه‌های نفتی، نه تنها تولید نفت در لیبی را کاهش داده، بلکه صادرات نفت این کشور را نیز با اختلال مواجه کرده است. به نحوی که طبق گفته مقامات رسمی از یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز به ۶۰۰ هزار بشکه کاهش پیدا کرده است. به همین دلیل دولت لیبی اعلام کرد که مجبور است برای حفظ نیروگاه‌های خود، از خارج سوخت وارد کرده و از تحمیل شدن بیش از ۶ میلیارد دلار هزینه و خسارت به تأسیسات برق این کشور خبر داد.

### - تشدید ناامنی و تداوم درگیری‌های مسلحانه

وجود سلاح در دست افرادی غیر از نیروهای نظامی به هر دلیلی که باشد باعث دو دستگی و جنگ داخلی خواهد شد. از این رو حمایت‌های نظامی غرب و حتی برخی کشورهای عربی مانند قطر، امارات و عربستان سعودی از گروه‌های مسلح در لیبی که به منظور بهره‌برداری از این اختلافات و صف‌بندی‌های سیاسی انجام می‌شود، ضمن اینکه ناامنی را تشدید می‌کند، می‌تواند به این کشورها در راستای بهره‌برداری از این اوضاع آشفته یاری رساند.

## - تجزیه لیبی

آنچه بیش از هر چیز کشور لیبی را با چالشی اساسی مواجه می‌کند، تفرقه داخلی است. تشدید درگیری‌های داخلی در این کشور در حال پیشروی به سمت خودمختاری بخش‌ها و قبایلی از آن شده است. در این رابطه می‌توان به منطقه‌ای در شرق لیبی تحت عنوان برقه، اشاره کرد که گروهی با اعلان خودمختاری درصدد تضعیف دولت مرکزی هستند تا نتواند برای بازگشایی و ازسرگیری فعالیت بنادر و حوزه‌های نفتی در این منطقه تلاش کند. فعالیت بنادر و حوزه‌های نفتی شرق لیبی که از چندی پیش به‌منظور گرفتن سهم بیشتری از قدرت و درآمدهای نفتی توسط شبه‌نظامیان و گروه‌های قبایلی متوقف شده، پس از تشدید درگیری‌ها و وقوع انفجارهایی در شهر بنغازی، یکی از دلایل اصلی خشونت در این کشور شده است. به‌طوری که رهبران محلی این منطقه (شرق لیبی)، با متهم کردن برخی مقامات دولت مرکزی به فساد و ناتوانی در تأمین امنیت کشور، خواستار خودمختاری شده‌اند. در همین راستا رئیس گارد تأسیسات نفت خیز در منطقه الوسطی اجرای نظام فدرالی در شرق لیبی را شرط باز کردن بنادر نفتی قرار داده است. لازم به‌ذکر است که از همان روزهای آغاز درگیری‌ها در لیبی، حرکت‌هایی مبنی بر مدیریت این کشور به سبک فدراتیو صورت گرفت که زمزمه‌هایی مبنی بر تجزیه این کشور را به گوش می‌رساند.

## - تبدیل شدن لیبی به دولت ورشکسته

شرایط سیاسی و اجتماعی و هرج و مرج حاکم در این کشور به‌گونه‌ای است که دولت بسیار ضعیف شده است. به‌طوری که حتی شبه‌نظامیان متحد دولت نیز به‌صورت یک‌جانبه و طبق خواسته خود عمل می‌کنند. از این رو برخی کارشناسان معتقدند که دولت لیبی در حال ورشکسته شدن است. این مسئله نیز یکی دیگر از پیامدهای درگیری‌ها و ناآرامی‌های اخیر در این کشور می‌تواند باشد.

در مجموع بررسی علل ناآرامی‌های اخیر در لیبی در دو بُعد داخلی و خارجی بیانگر تضعیف روزافزون دولت و فرسایشی شدن جنگ داخلی در این کشور است که ضمن تشدید خشونت‌ها می‌تواند تهدید اساسی برای یکپارچگی و تمامیت لیبی باشد.